



• درآورد:

برادر ابوجهاد آیا یکی از مبارزان فلسطینی و نماینده سابق جهاد اسلامی در ایران است، چنان با شور و خلوص از شهید شقافی صحبت می‌کند که به خوبی می‌شود به ژرفای باور قلبی او پی برد در حالی که او معتقد است خصوصیات برجسته شهید دکتر فتحی شقافی چنان جذابیتهایی به همراه داشت که هر فرد مسلمان و معتقد به ارزش‌های اخلاقی را مجذوب خود می‌کرد تصریح می‌کند که دکتر در زمان حضورش در دانشگاه زقازیق مصر به عنوان شخصیتی با نفوذ، نقشی محوری ایفا کرده و بنیان تشکیلی مؤثر در تفکر جهاد مقاومت فلسطین را پایه‌ریزی کرد که جنبش جهاد اسلامی نام گرفت. برادر ابوجهاد که از همان زمان شیفته شخصیت ایشان شده بود در گفتگو با شاهد یاران از ویژگی‌های این شهید می‌گوید.

■ گفتگوی شاهد یاران با ابوجهاد

نماینده سابق جنبش جهاد اسلامی در ایران

شقافی شخصیتی بارز و چند بعدی داشت...

استقلال گرایانه و جهاد با استعمار نوین است. این یک مسأله بود. مسأله دیگری که به شدت مرا متوجه و جذب دکتر شقافی می‌نمود این بود که او فلسطین و اسلام و جهاد را مثلثی متصل به هم می‌دانست و در این مسأله که اسلام معاصر به آن مبتلا شده، جهاد، قسمت سرنوشت ساز و همچون ستون اسلام به منزله قاعده و مفهومی است که از دریچه آن می‌توان به کل قضایا نگریست که همین قضایا، خود به اجزای کوچک تری تقسیم می‌شود.

دکتر شقافی دیدگاه روشنی داشت، امت چگونگی متحد می‌شود و از تفرقه دور می‌شود. او همواره به واسطه وحدت‌گرایی با تفرقه و اختلاف مبارزه می‌کرد. او علی‌رغم صغر سنش، رهبری و دانشمندی و مبلغ اسلامی و مصلحی را پشت سر گذاشته بود. او این که تقریباً هم سن و سال ما بود با چند سالی تفاوت، ولی برای ما به مثابه رهبری عظیم بود که چشم ما همواره او را جستجو می‌کرد و از دریای آگاهی و اندیشه ژرفش سیراب می‌شدیم و در نتیجه پس از آن که جنبش جهاد اسلامی تشکیل شد، عضو آن گشتیم. اما آنچه مایه شرف و افتخار ما بود تنها عضویت در این جنبش یا داشتن تفکر و طرح نظری خاص نبود. چه، این افکار و نظرات ملک شخصی جنبش خاصی نبود. بلکه افتخار ما در خود این طرح و اندیشه نهفته در آن بود برای متحول ساختن همه امت.

جنبش جهاد اسلامی سازمان و یا حزبی به معنای سیاسی نیست. بلکه این جنبش نظر و طرحی نو در انداخته که کلمه به کلمه و حرف به حرف آن ریشه در اندیشه دکتر فتحی داشت و تصمیم داشت تا همه امت به ویژه فلسطین را از همه لحاظ دچار تغییر و تحول نماید. زیرا چالش اصلی که همه امت را تهدید کرده و می‌کند در فلسطین است و صهیونیسم و امپریالیزم آمریکا نیز پشتیبان این مسأله هستند. اگر ما خواسته باشیم میان شقافی و دیگر رهبران فلسطینی مقایسه‌ای انجام دهیم، چه ویژگی‌هایی وی را از دیگران متمایز می‌سازد؟

البته طرح این سؤال کمی مشکل است. زیرا فلسطین دارای رهبران مختلفی است. اما اگر ما به دکتر شقافی بنگریم، او یک رهبر صرفاً سیاسی یا یک اندیشمند یا تنها یک مجاهد

ایشان باعث افزایش آگاهی‌های ما در مورد مسأله‌ای سرنوشت‌ساز و بسیار بزرگ در حیات امت اسلامی و ملت فلسطین شده بود.

فتحی شقافی این نظریه را که موقعیت فلسطین در اسلام معاصر کجاست؟ تحلیل نمود و این سؤال را پیش آورد که چگونه باید با مسأله فلسطین برخورد کرد؟ آیا مسأله فلسطین دارای بعد قومی و نژادی است؟ و باید از نزدیک شدن به آن هراسید؟ و هر کسی که اسلام‌گراست صرفاً نباید به آن نزدیک شد؟ این مسأله فلسطین یک مسأله قومی و نژادی است و به معنی دور شدن از آگاهی اسلامی می‌باشد؟ در حالی که مسأله فلسطین کلید همه مسائل و مشکلات دیگر است و برای کسانی که طالب آزادی خود و آزادی فلسطین و امت اسلامی، از بندگی و استعمار به ویژه امپریالیزم آمریکا و صهیونیسم هستند، فلسطین متشابه قطب‌نمایی است که بایستی مرکز توجه آنان باشد. فتحی شقافی همواره به همه به ویژه به ما به عنوان نسل جوان تأکید می‌کرد. اگر ما به وسیله این کلیدها که ایشان به ما داده بود حرکت نماییم در می‌نایم که مسأله فلسطینی حد و مرز جغرافیایی و نژادی را نمی‌شناسد و بر تارک تمام مسائل خواهد نشست. دکتر فتحی مسأله فلسطین را آیه‌ای از قرآن می‌دانست که هر کسی که آن را زنده کند قرآن را زنده کرده است و می‌گفت این آیه که نامش فلسطین است. شاه کلید بازگشایی افکار آگاهانه و نهضت اسلامی و طرح‌های

شهر شهید فتحی شقافی



جنبش جهاد اسلامی سازمان و یا حزبی به معنای سیاسی نیست. بلکه این جنبش نظر و طرحی نو بود که کلمه به کلمه آن ریشه در اندیشه دکتر فتحی داشت و تصمیم داشت تا همه امت را از همه لحاظ دچار تغییر و تحول نماید.

برادر ابوجهاد آیا شما اولین دیدار خود با شهید فتحی شقافی را به یاد دارید؟ شما چگونه با ایشان آشنا شدید؟

بسم الله الرحمن الرحيم

من از ۱۹۷۸ که در دانشگاه زقازیق مصر در بخش فیزیک و شیمی درس می‌خواندم، ایشان را شناختم. در ابتدا با برخی دوستان فلسطینی که ایشان را می‌شناختند آشنا شدیم و ما به عنوان جوانان مسلمان بسیار به دانشگاه علاقه مند بودیم. روزی از من پرسیدند، که چرا در حالی که فتحی شقافی شخصیت ممتازی است و در دانشکده پزشکی درس می‌خواند و یکی از فعالان مسلمان می‌باشد، با ایشان دیداری نداری؟ در حالی که بچه‌ها در آن دانشگاه کاملاً می‌دانستند ایشان اندیشمندی اسلامی و از لحاظ فکری و فرهنگی و سیاسی بسیار با اطلاع و روشن بود. بر اثر اصرار یکی از دوستانم به ملاقات وی شناختم و در این دیدار وی را شخصیتی بارز و چند بعدی یافتیم و علی‌رغم این که در بعد اندیشه اسلامی دارای خط فکری معینی بودم، اما پس از این ملاقات تحت تأثیر آگاهی‌های فراوان وی قرار گرفتم. به ویژه که پیشین من نسبت به تمدن اسلامی و نصوص اسلامی دچار تغییر و تحول شد. این سرآغاز شناخت من نسبت به ایشان بود البته علیرغم این که ما هیچ گونه تشکل و تشکیلات سیاسی منظمی نداشتیم، اما با این وجود پس از مدت کوتاهی دکتر شقافی بازداشت شد که بعد از آزادی، برای دومین بار با ایشان ملاقاتی داشتم و پس از آن دیدارها ادامه یافت و من پیر و نظرات و اندیشه‌های ایشان گشتم. زیرا در زمینه اسلام در آن مناطق به ویژه فلسطین سرآمد دیگران بود. وی دارای افکار و نظرات ساده و روان و دیدگاهی روشن و شفاف بود که باعث شده بود همه ما که در دانشگاه زقازیق بودیم اسیر و بنده اندیشه‌ها و نظرات ایشان شویم و این اثر عمیق را در اعضای جنبش جهاد اسلامی و نسل اول آن که دکتر رمضان شلح نیز از رهبران آن می‌باشد، به خوبی شاهد هستیم.

آیا این طور نتیجه می‌گیریم که این اندیشه‌ها و نظرات دکتر شقافی بود که باعث شد به جهاد اسلامی بپیوندید؟ چنین است. اما آن زمانی که ما شیفته اندیشه‌های ایشان گشتیم هنوز جنبش جهاد شکل نگرفته بود. بلکه افکار

امت می‌دانست و وی حرکت امام و مواضع ایشان در مقابله با غرب را کاملاً صحیح می‌دانست و این همان ستری است که ما را به سوی ارتباط محکم میان خود در جنبش جهاد اسلامی و جمهوری اسلامی ایران کشاند.

چرا جهاد و مبارزه مسلحانه در اندیشه شهید شقافی در اولویت قرار داشت؟

زیرا دکتر شقافی با انجام پژوهش و تحقیقات عمیق خود در تاریخ فلسطین و تاریخ کشمکش میان امت اسلامی و استعمار و میان ملت فلسطین و استعمار انگلیس و همچنین چون این هجمه استعماری و در رأس آن صهیونیسم همراه با دشمنی و کینه‌ورزی و قلع و قمع و کشت و کشتار بوده است، راه مقابله با آن را با همان روش استعمارگران می‌داند، زیرا زور جز زبان زور، چیزی نمی‌فهمد. تقیه و سازش، همواره در تاریخ فلسطین و امت اسلامی با شکست روبرو شده است. در نتیجه بایستی به شیوه جهاد و مبارزه و بازگرداندن روحیه جهاد اسلامی روی آورد.

فرزندان این امت و اهل حل و عقد و علمای آن در طول تاریخ دارای نقش بارزی در مقابله با استعمار بودند و ما می‌دانیم که با استعمار جز با شیوه جهاد آن هم با جهاد عمومی، نمی‌شود برخورد کرد. جهاد همگانی که از گردن هیچ یک از افراد امت ساقط نشود. این گونه نباشد که جهاد فقط وظیفه جنبش جهاد اسلامی یا گروه معینی باشد. همه افراد امت اسلامی بایستی با استعمارگران و اشغالگران مقابله نمایند. این امت باید بیدار شده قیام نماید و جهاد اسلامی را در مقابله با استعمار جدید و صهیونیسم یکبار دیگر احیاء کند. به همین دلیل دکتر شقافی عقیده داشت که خود و یارانش، در حرکت جهاد اسلامی بایستی همچون جرقه‌ای باشند که با قربانی کردن خود، بهای احیاء و بیداری مجدد و بازگرداندن روح به کالبد این امت را در مقابله با استعمارگران بپردازند و بدین‌گونه جنبش جهاد اسلامی به رهبری دکتر فتحی شقافی برای ادای این واجب قیام نمود و موفق شد تا جهاد و مبارزه اسلامی را همچون روح و حیات در کالبد این امت به نمایش بگذارد، روحی که باعث به حرکت درآمدن هزاران جوان شهادت طلب شد و نه صرفاً یک نظر و دیدگاه ناچیز و کوچک. در اثر همین انگیزه ما می‌بینیم که چگونه یک مادر یا پدر فلسطینی فرزند خود را تشویق به انجام جهاد می‌نماید. در حالی که تا پیش از آن در انتفاضه دوم چنین مسائلی سابقه نداشت.

آنچه گفتیم دیدگاه دکتر شقافی بود. او عقیده داشت در جهاد اسلامی بایستی پیش قدم شد و با قربانی کردن خود، روح جهاد مقدس را در کالبد امت مخصوصاً در فلسطین در مقابله با استعمار صهیونیستی دمید و هم اکنون که یازده سال از شهادت او می‌گذرد، فکر می‌کنم که اندیشه و دیدگاهش با این امت کاری کرده است کارستان. آنچه را که ما امروز در انتفاضه پیشین و انتفاضه‌های آینده دیده و خواهیم دید، ترجمان حقیقی این روح با اخلاص و اشک‌ها و رنج‌هایی است که فتحی شقافی به جان خود خرید تا باب جهاد را همان‌گونه که برخی خواستار گشودن باب اجتهاد بودند، بگشاید و اثبات نماید.

مهمترین مراحل زندگی دکتر فتحی شقافی کدام است؟ آیا او تنها مربوط به زمان خود بود و به پایان رسید یا جاودانه خواهد ماند؟

دکتر شقافی یک کل متکامل بود. مراحل زندگی او در حال تکامل بود. او مرد حقیقت طلبی بود. درک دیگران از او درکی سطحی و ظاهری بود. آنان او را اندیشمندی با تفکری عمیق و افروخته با واژه‌ها و حقایق حوادث دانسته‌اند که با آنها دست و پنجه نرم می‌کرد و در تلاش و جستجوی سنن و قوانینی برای بیداری و نهضت و حرکت، تحقیق و پژوهش و جستجو در یافتن راهی برای رهیدن امت از سلطه و استعمار



است که دکتر شقافی همواره ریشه آنها را در میراث سیاسی عظیم اسلامی جستجو می‌کرد و این سعی و تلاش البته با مخالفت‌ها و لجاجت‌ها و دشمنی‌های قوای سلطه جوی سرمایه داری امپریالیزم و استعمار جدید آمریکا و قدیم بریتانیا، روبرو شده و می‌شود این دشمنی‌ها هم اکنون در اوج سلطه جویی استعماری و اوج دشمنی با این منطقه و جهان اسلام به نمایش درآمد. آمریکا که هم اکنون از طرح صهیونیسم پشتیبانی می‌نماید و پیش از آن بریتانیا این کار را انجام می‌داد. در حال حاضر نیروهای خود را بسیج نموده و جبهه گسترده‌ای را ایجاد کرده است تا به این امت و حقوق مسلم و مقررات و ثروت‌های آن دست یازیده، تحت سلطه‌اش در آورد تا بتواند به این وسیله به تضعیف تفرقه و قطعه‌قطعه شدن این امت نائل شود و از آن به عنوان بازاری برای محصولات خویش استفاده نماید.

دکتر شقافی چاره‌ای ندید، جز آن که با طرح برنامه‌های دقیق به مقابله با این سلطه جویی امپریالیزم آمریکا و سلطه جویی صهیونیسم در فلسطین بپردازد. در نتیجه اگر انقلاب اسلامی ایران در جای دیگری اتفاق می‌افتاد، بدون شک دکتر شقافی در کنار آن قرار می‌گرفت و از آن دفاع می‌کرد زیرا پیروزی این انقلاب را پیروزی ما و مایه عزت و سربلندی فلسطین می‌دانست. تمامی این مسائل و سعی و تلاش‌های مستمر و پیگیر و اندیشه‌ها و طرح‌ها نتیجه‌اش تولد جنبش جهاد اسلامی بود و بنده معتقدم علیرغم کوتاه بودن عمر فتحی شقافی نتیجه و ثمره‌اش را بر جای نهاد و شهادت او تقدیر الهی بود اما اگر عمر او طولانی می‌شد، ثمره‌اش پیروزی بود. اما ما به تقدیر الهی هیچ اعتراضی نداریم.

شیرین‌شهری شقافی



دکتر شقافی شعله‌ای افروخته از آگاهی و بیداری در سطح منطقه به ویژه در فلسطین بود و من معتقدم که معلم واقعی نسلی بود که بر تارک نسلها نشست و تمام جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی - اسلامی، که بعدها به وجود آمدند، همگی از اندیشه‌ها و تزیهای دکتر شقافی در راه فلسطین و اسلام و ارتباط ملی‌گرایی و دین، استفاده نمودند.

مبارز نبود. البته همه این‌ها بود، اما شخصیت ایشان ابداً دیگری نیز داشت که به جز کسانی که با ایشان مراوده مستقیم داشتند و به وی نزدیک بودند، کسی از آنها اطلاع نداشت. دکتر فتحی تفکر و اندیشه‌ای به بزرگی همه امت اسلام را با خود داشت.

وی رهبری سیاستمدار و پیشوای منحصر به فرد فلسطینی بود که اندیشه‌ها و طرح‌های وی برای همه جنبش‌ها و احزاب و گروه‌های سیاسی فلسطینی بود.

او یک مبارز بود و جهاد وی بیشتر حول و حوش این مسأله دور می‌زد که چگونه می‌شود این امت را نجات داد یا مواضع خطر و تهدید این امت در کجاست؟ که البته کانون خطر در فلسطین است و علی‌رغم عشق ما و ایشان به فلسطین و امت آن، اما هم و غم دکتر شقافی فراتر از آن بود و همه امت اسلامی را در بر می‌گرفت که چگونه می‌توان این امت را از زنجیر عبودیت و بردگی و تفرقه و اختلاف و شکست‌های متوالی نجات داد و ایشان را به سوی افق‌های روشن نهضت و اتحاد و یکدلی در مقابله با استعمار و صهیونیسم سوق داد. حرکت صهیونیسم تنها فلسطین را هدف قرار نداد، بلکه در زمان دکتر شقافی هدفش کل جهان اسلام و امت اسلامی و مقومات وجودی و وحدت و فرهنگ و تاریخ آن بوده است. این آگاهی‌ها را دکتر شقافی با تلاش خستگی‌ناپذیرش در دل‌ها و اذهان ما جا انداخت و فرهنگ ما را با این آگاهی‌ها عجین و استوار ساخت.

دکتر شقافی شعله‌ای افروخته از آگاهی و بیداری در سطح منطقه به ویژه در فلسطین بود و من معتقدم که معلم واقعی نسلی بود که بر تارک نسلها نشست و تمام جنبش‌ها و گروه‌های سیاسی - اسلامی، که بعدها به وجود آمدند، همگی از اندیشه‌ها و تزیهای دکتر شقافی در راه فلسطین و اسلام و ارتباط ملی‌گرایی و دین، استفاده نمودند. این مفاهیم و آگاهی‌ها را دکتر شقافی هرگز از میان کتابها و تحقیقات و پژوهش‌ها کسب نکرد، بلکه از طریق مقاومت و مبارزه و جهاد لحظه به لحظه و روزانه و از طریق رنج‌هایی که برای مسأله فلسطین کشید به دست آورد.

او همواره در این مورد فکر می‌کرد که چگونه می‌شود این امت را از واقعیت تلخ و سیاه خود جدا کرد و به سوی افق‌های روشن که همان خواسته قرآن است رهنمون شد. دکتر شقافی در این راستا از هیچ مسأله‌ای که مربوط به جامعه اسلامی است غفلت نمود و بررسی و پژوهش‌های زیادی را برای راه‌نمایی نیروهای سیاسی انجام داد. وی به ساده‌ترین افشار جامعه مانند کشاورزان و کارگران تا کاسب و فرهنگی نیز توجه داشت، او تلاش می‌کرد تا به هر یک از این افشار نقشی را متناسب با وی محول سازد. تمامی این مسائل و سعی و تلاش‌های مستمر و پیگیر و اندیشه‌ها و طرح‌ها نتیجه‌اش تولد جنبش جهاد اسلامی بود و بنده معتقدم علیرغم کوتاه بودن عمر فتحی شقافی نتیجه و ثمره‌اش را بر جای نهاد و شهادت او تقدیر الهی بود اما اگر عمر او طولانی می‌شد، ثمره‌اش پیروزی بود. اما ما به تقدیر الهی هیچ اعتراضی نداریم.

چرا فتحی شقافی انقلاب اسلامی ایران را دوست داشت و در مورد امام خمینی و انقلاب صحبت می‌کرد؟

رابطه میان دکتر شقافی و انقلاب اسلامی ایران رابطه‌ای است که بسیاری نتوانسته‌اند ستر آن را بدانند. دکتر شقافی غرق در میراث اسلامی بود و با توجه به این که به عنوان یک جناح انقلابی و آگاه می‌دانست که باید به سمت دگرگونی و تحول و رویارویی با ظلم و ستم تغییر جهت دهد و چنانچه ما انقلابی باشیم و به عنوان نمایان این مسأله در شعار باشد، بلکه در عمل باید چنین باشیم، انقلابیون طرفدار عدالت اجتماعی و عشق به مستضعفین و یاری رساندن به آنها، تلاش کنیم تا مشکلات این ملت و استعمار را از بین ببریم. این‌ها مسائلی



زیرا او یکی از نزدیکترین دوستان دکتر شقایی بود. به طوری که در زمینه شعر و ادبیات و مبارزه و انقلاب و آگاهی مشابه یکدیگر بودند و ما در واقع هنگامی که دکتر رمضان را به عنوان دبیرکل می‌بینیم گویی استمرار و ادامه خط و ربط و اندیشه دکتر شقایی را در وجود مبارک ایشان مشاهده می‌کنیم. ما امروزه احساس نمی‌کنیم که او را از دست داده‌ایم. زیرا ما برخی از شخصیت‌ها را می‌بینیم که در ابعاد شخصیتی‌شان همچون دکتر فتحی شقایی اند و ما دکتر رمضان را زاهدی بزرگ می‌دانیم که این بعد جهادی دکتر شقایی را به خوبی در او نمایان می‌بینیم. او را شخصیتی اندیشمند، ادیب و سیاستمدار می‌بینیم آنچه امروز شاهد آن هستیم این است که دکتر رمضان نمونه‌ای از دکتر شقایی است و گویی که شهید شقایی در تک تک افراد این امت به خصوص فلسطین تقسیم شده است. ما امروزه او را پیشوا و رهبر جهاد اسلامی می‌دانیم. اما امت اسلامی ما او را پیشوایی اسلامی و اندیشمندی مصلح می‌داند که همه فکر و ذکرش مسأله فلسطین بود که با هم و غم همه جهان اسلام پیوند خورده بود.

خداوند فتحی شقایی را رحمت کند و در فسیح جنات خویش سکنی دهد.

امروزه در فلسطین فرزندان جنبش جهاد و فرزندان گروه‌های دیگر و کسانی که دکتر شقایی را نیز ندیده‌اند و از اعضای جهاد اسلامی هم نیستند اما مقالات دکتر شقایی را مشتاقانه مطالعه می‌کنند و از آن درس می‌گیرند که این خود حسنت و صدقه جاریه است. که این حسنت در بیداری است. اما در مقابله با استعمار جاری است. پس استعمار لامحاله زائل شدنی است. زیرا دکتر شقایی همواره می‌گفت: رژیم صهیونیستی رفتنی است و پدیده‌ای بیگانه و ناگهانی است. در نتیجه یک وجود استثنایی و زودگذر است. اما ما فرزندان این زمینیم و در آن ریشه دوانده‌ایم و هیچ گیاه غریبه‌ای نخواهد توانست در ژرفای زمین این امت ریشه دواند و اسرائیل گیاهی بی ریشه و غیر عادی است که در سرزمین اسلامی فلسطین روئیده است.

در نتیجه من پیروزی را در فلسطین می‌بینم که خود پیش‌بینی انبیا و قرآن و پیش‌بینی شهدای ما و در رأس آنها شهید فتحی شقایی است. خداوند به این شهید پاداش خیر و نیک عطا نماید و در فسیح جناتش قرار دهد. ■

مجاهد و سیاستمدار بود که فصل الختام همه این‌ها شهادت وی در راه خدا بود.

جناب ابوجهاد به حکم نزدیکیمان به این شهید می‌دانیم که خاطرات زیادی دارید. اما به عنوان آخرین سخن یک خاطره به یاد ماندنی را از ایشان برایمان بگویید.

هنگامی که دکتر شقایی از زندان آزاد شد به عنوان کسی که مدتی را در بازداشتگاه‌های اسرائیل به خصوص سلولهای انفرادی گذرانده، از وضعیت زندان‌ها و پرسیدم. وی گفت: زندانیان به من می‌گفت اگر دست من بود تو را درون گودالی می‌انداختم و قطره قطره به تو آب می‌دادم که همه عمر میان مرگ و زندگی دست و پا بزنی. از او سؤال کردم که علی‌رغم این همه دشمنی و کینه چگونه و قتش را در زندان‌های اسرائیلی می‌گذرانده است. او پاسخ داد: واللّه لحظه‌ای احساس نمی‌کردم که در زندان به روی من بسته است، این همان آزادی روحی است که عاشق خدا و فنای فی‌الله عزوجل است. می‌گفت هرگز حس نمی‌کردم که از برنامه روزمره خود جدا شده‌ام و زندان نتوانست در من چنین حسی را ایجاد کند گویی قسمتی از وی داخل زندان و قسمتی خارج از زندان بوده است. در حالی که فتحی شقایی در زندان بود و در خارج هم از زندان به فعالیت‌های خود ادامه می‌داده است. این‌ها از مسائلی است که در دکتر شقایی منحصر به فرد بوده است به ویژه وقتی که برخی خاطرات را شنیدم، مثلاً من در حالی که با دکتر بودم و از او درباره برخی امور صحبت‌هایی را می‌شنیدم. همچنین دکتر رمضان نیز همان امور را با کوچک‌ترین جزئیاتش از دکتر برایم نقل می‌کرد.

شهرت فتحی شقایی



دکتر شقایی عقیده داشت که خود و یارانش، در حرکت جهاد اسلامی بایستی همچون حرفه‌ای باشند که با قربانی کردن خود، بهای احیا و بیداری مجدد و بازگرداندن روح به کالبد این امت را در مقابله با استعمارگران بپردازند.

و همچنین در جستجوی وسایل و دستاویزهای نوینی به هدف از بین بردن هجوم و مشکلات امت و شیوه متحد شدن آن و ایفای نقش اصلی خویش بود. زیرا این مبارزه را جنگ نظام‌ها نمی‌دانست بلکه آن را جنگ و جهاد همه امت می‌دانست. دکتر شقایی شخصی اندیشمند و سیاسی و آگاه و فرهیخته و با علم و دانش بود. آری این همه بود، اما این شخصیت بعد پنهانی داشت. او یک انسان، یک صوفی، یک عارف و زاهد بود. این ابعاد حقیقی وجود او بود که بر ابعاد دیگرش سنگینی می‌کرد و آنها را تحت الشعاع قرار می‌داد. این شخصیتی که به خردسال، مهربانی می‌کرد و به کلان احترام می‌گذاشت، بر جاهل اقبال می‌نمود و در افزایش آگاهی عالم کوتاهی نمی‌کرد و بر مستکبر و متکبر با علم و آگاهی‌اش سخت می‌گرفت تا علم را متواضع و نافع قرار دهد. دکتر شقایی با گروه‌ها و اشخاص زیادی در منطقه و فلسطین مراد و تعامل داشت.

او شخصی متمایز از دیگران بود. وی توانست چارچوبی را بسازد که در آن همه عقل‌ها و اندیشه‌ها و اجتهادات و نظرات و همه ویژگی‌های روحی و معنوی بگنجد.

گاهی دکتر را می‌دیدم که داشت به عکس یک شهید نگاه می‌کرد. تو گویی قسمتی از قلب وی ترک برداشته و شکسته است. با قلبی آکنده از غم و اندوه به مانند باران اشک می‌ریخت و برای شهید عزاداری می‌کرد.

او در لحظات عارفانه و عاشقانه و مناجات با خدای عزوجل اشک می‌ریخت و سعی داشت تا دیگران اشک او را نبینند. این ابعاد شخصیتی اوست که او را علیرغم سن کمش نه تنها رهبری سیاسی، بلکه او را زعمی حقیقی قرار می‌داد. او سعی فراوان داشت تا همه گروه‌ها و احزاب فلسطینی را که در چارچوب گروه‌های دهگانه متفرق بودند، جمع و متحد کند و در این زمینه نقش بزرگی بر عهده گرفت. دکتر شقایی متخصص حل و فصل اختلافات و اجتهادات مختلف فکری و اسلامی در سطح فلسطین و جامعه اسلامی بود که در این زمینه به نقش وی در حل و فصل درگیری مذهبی میان دو جناح این امت، یعنی شیعیان و اهل سنت، می‌توان اشاره کرد. وی می‌گفت ما اکنون در مرحله‌ای نیستیم که نیاز به اختلاف فرقه‌ای و مذهبی و فقهی داشته باشیم. ما باید اکنون با هم در مقابل استعمار بایستیم. او همواره در حال حل و فصل درگیری‌های بعضاً سیاسی و برخی دیگر مذهبی بود و در اختلاف و کشمکش میان ملی‌گراها و نیروهای اسلامی و مذهبی همواره سعی داشت تا مواضع اختلاف‌انگیز را از میان بردارد.

او بدون شک رهبر همه گروه‌های ملی‌گرا و اسلامی در فلسطین و خواستار آن بود که جنبش‌های اسلامی نماینده مردم در جامعه باشند و این مسأله‌ای بود که احدی در این مورد با او مخالفتی نداشت. اما کسانی که در زمینه فکری با او اتفاق نظر نداشتند همواره احترام او را داشتند و می‌دانستند که او به آنها نیز بسیار اهمیت می‌دهد و برایش مهم است که به حق و حقیقت برسند. دکتر شقایی مراحل متداخل و به هم تنیده‌ای است که نمی‌توان در یک خط مستقیم، مسیر فکری این شخصیت را تشخیص داد. او در هر مرحله‌ای به کمال نزدیک می‌شد و همواره این آیه را به عنوان شعار سر می‌داد «یا ایها الانسان انک کان الی ربک کدحا فملاقیه» همه کدح و تلاشش رسیدن به لقای الله بود. کل جهاد برای او همانا فداکاری و شهید شدن بود تا او را به قرب خدای عزوجل برساند. اما علیرغم از دست دادن و علیرغم رنجی که از افزایش می‌کشیم، می‌بینیم که چگونه خداوند زندگی او را مایه کرامت قرار داد و با عمری گرچه کوتاه اما سراسر برکت و جهاد و شهادت بر او منت نهاد. این ستری است از اسرار الهی. این شخصیت گرانمایه از اسرار اسلامی است که معلم و اندیشمند و رهبر و زاهد و عارف و

